

تضمینات حقوق شهروندی و نقش پلیس

با نگاهی به آموزه های دینی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۹/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۱/۱۸)

سعید نجفی

چکیده

پلیس بعنوان تأمین کننده نظم و امنیت، نقشی مهم بعنوان بازوان پرتوان سازمان قضایی کشور در رسیدگی و نظارت بر جرائم دارد. علاوه تأمین امنیت نظارت بر اجرای صحیح احکام اجرایی و روند صحیح اجرای قانون از مهمترین این اقدامات توسط پلیس به شمار می رود که همه آن با هدف عملیاتی نمودن حقوق شهروندی صورت می پذیرد. حقوق شهروندی در ایران با تکیه بر موازین اسلامی و با نظارت مستمر پلیس بعنوان ضابطین قانون انجام می پذیرد. آموزه های دینی به ویژه مذهب تشیع نقش پر رنگی را در حقوق شهروندی شهروندان ایرانی بر عهده دارد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای به انجام رسیده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش و جایگاه آموزه های دینی در عملکرد پلیس بعنوان نیروی است که ضامن و ناظر بر اجرای صحیح حقوق شهروندی است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که بر اساس گفتمان حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران، موازین و آموزه های دینی نقشی تعیین کننده در اجرایی شدن حقوق شهروندی دارد. از آنجایی که پلیس وظیفه نظارت بر اجرای صحیح حقوق شهروندی را بر عهده دارد تمسک به قانون و رعایت حقوق شهروندان و حفظ کرامت انسانی شهروندان را بر اساس موازین اسلامی سرلوحه کار خویش ساخته است اگر چه در این زمینه کمی ها و کاستی هایی نیز مشاهده می شود اما در مجموع گفتمان غالب در اجرای حقوق شهروندی در ایران همان به رسمیت شناخته شدن آموزه های دینی با تکیه بر اجرای صحیح و درست حقوق شهروندی است.

واژگان کلیدی: پلیس، حقوق شهروندی، آموزه های دینی، نظام حقوقی



بخش اول: کلیات

بند اول: مقدمه

نقش پلیس به عنوان ضابط دادگستری و به دلیل تعامل مستقیم و شبانه روزی با شهروندان در زمینه اجرای احکام عدالت محور نقش بسیار مهم و پراهمیتی است. حقوق شهروندی پس از انقلاب کبیر فرانسه به مرور در اروپا و سایر مناطق جهان توانست جایگاه مهمی را در میان کشورها و نظام های سیاسی به دست آورد. در مورد حقوق شهروندی گفتنی است که از جمله اموری است که کوچکترین مسامحه نسبت به آن در مرحله کشف جرم و تحقیقات اولیه موجب تضییع آزادی های اساسی و در مواردی زمینه نقض حقوق او را فراهم می سازد. انتظار شهروندان از پلیس به گونه ای است که از این نهاد امنیتی و انتظامی انتظار دارند که در کمال بی طرفی در جهت اثبات حقیقت دلایل متقن را جمع آوری نماید. حقوق شهروندی از مباحث مهم حقوقی و از شاخه های اصلی حقوق عمومی به حساب می آید که از روابط بنیادین میان مردم و حکومت صحبت به میان می آورد. از آنجا که حقوق شهروندی در جامعه فعلی ایران بر اساس موازین اسلامی تعریف می شود.

بند دوم: بیان مسئله

تضمینات حقوقی بر اساس نقش و اهمیتی که پلیس در اجرای صحیح قانون بر اساس موازین اسلامی دارد از اهمیتی در خور برای اجرای احکام اسلامی و ضابطه مند نمودن حقوق شهروندی دارد. از این روی پژوهش حاضر در صدد پاسخ گویی به این سوال است که موازین اسلامی از چه جایگاهی در نزد پلیس و عوامل انتظامی برخوردار است ؟

بند سوم: پیشینه تحقیق

در مورد پژوهش حاضر تا کنون به صورت مستقل آثاری منتشر نشده است تنها در این زمینه بصورت پراکنده چندین مقاله به چاپ رسیده است. این آثار شامل موارد زیر می باشند : درویشی ، عباس در سال ۱۳۹۶ مقاله ای تحت عنوان « نقش پلیس در پیشگیری از جرائم » به چاپ رسانده است . مقالات بعدی به ترتیب شامل « نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان » از سید سعید کشفی در سال ۱۳۸۷ ، « وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان » از رضا



بیرانوند و همکاران در سال ۱۳۸۹، «حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس» از محمد روشن و دیگران در سال ۱۳۹۳، «تضمینات حقوقی آموزش شهروندی در چارچوب نظام حقوقی ایران» از عیسی اردلان، ابراهیم یاقوتی و دیگران در سال ۱۳۹۹، تبیین نقش پلیس در تحقق حقوق شهروندی در پرتو آموزه‌های اسلامی، از پویا شیرانی و جلیل شارجبی گرگایی در سال ۱۴۰۰ از مهمترین این آثار چاپی به شمار می‌روند.

بند چهارم: اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق در مورد نقش پلیس در تضمینات حقوق شهروندی بر اساس آموزه‌های دینی از آنجا نشأت می‌گیرد که پلیسبه عنوان عامل اجرایی قانون نقش مهمی را در نظارت بر اجرای قانون دارد و هرگونه عملکرد این ارگان امنیتی - انتظامی از آنجا که براساس موازین اسلامی انجام می‌گیرد از سوی شهروندان به منزله خود اسلام و نظام حاکمیتی تلقی می‌شود از همین روی نقش پلیس در پیشگیری از جرائم در رشد و توسعه حقوق شهروندی بسیار مهم و اثرگذار است.

بخش دوم: تعریف شهروندی

شهروندی (Citizenship) شامل کسانی است که در یک مرز سرزمینی زندگی می‌کنند و از قانون خاصی نیز پیروی می‌کنند. شهروندی دارای ابعاد، سیاسی اقتصادی - اجتماعی فرهنگی و مدنی است و در ارتباط تنگاتنگ با مفاهیمی نظیر حقوق بشر نیز قرار دارد. شهروند شدن به دست آوردن موقعیتی حقوقی برابر با سایر شهروندان، برخوردار شدن همگام با آنها از برخی حقوق و داشتن وظایف مشترک است. (رضایی پور، ۱۳۸۵: ۹) مطابق این تعریف شهروندی مفهومی است که ارتباط نزدیکی با دولت - ملت دارد چه این که شهروندی به سبب این که در یک جامعه انسانی با حقوق و تکالیف برابر باشند معنا می‌یابد. شکل ساده شهروندی به معنای حضور در سیاست و اجتماع است که به هیچ وجه نقش منفعل و منفک از جامعه را نمی‌پذیرد. به هر حال عضویت بنیان شهروندی، است، هرچند که عضویت همه شمول هنوز تحقق نیافته است اما دامنه آن روز به روز در حال گسترش است.



بند اول: مفهوم حقوق شهروندی

شهروند مرکب از دو کلمه (شهر) به معنای جامعه انسانی و (وند) به معنای افراد وابسته به این جامعه می باشند. بنابراین شهروندان به عنوان اعضاء رسمی شهر و اتباع کشور حقوق و وظایفی دارند که ضامن حرمت و جایگاه ایشان است. هر چند حقوق و مسئولیتهای شهروندان به طور کامل در قوانین پیش بینی نمیشود اما مهمترین آنها در قوانین داخلی و حتی مقررات بین المللی احصا شده اند. (گسن، ۱۳۷۰: ۸۵). به هر حال جامعه نیازمند مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، امور سیاسی و حتی مسائل خانوادگی بر اساس آن سامان یابد. حقوق شهروندی شامل حقوق و تکالیف مردم در برابر یکدیگر و اصول و هدفها و وظایف و روش انجام آن می شود. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر را می توان به عنوان مهمترین اصولی دانست که منشعب از حقوق اساسی کشور است. به نظر می رسد حقوق شهروندی در معنای اخص، تنها شامل جنبه مثبت اخیرالذکر باشد. شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده ای از حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی است. این حقوق و تکالیف اگرچه فردی می باشند اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد همچنین است مشارکتهای اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیتهای داوطلبانه و دیگر فعالیتهای اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی، در نگاه کلی تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. (میلر، ۱۳۸۳: ۱۲۶). حقوق شهروندی از جمله دستاوردهای مثبت بشری است که در بسیاری از موارد مورد تأیید دین مبین اسلام نیز می باشد. حقوقی از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری و عدم تبعیض و مانند آن همگی مورد تأیید و تأکید اسلام هستند و حتی آیات صریحی نیز در خصوص آنها وجود دارد من جمله آیات ۸۴ سوره بقره ۳۲ سوره مائده، ۴۶ سوره عنکبوت..... لیکن اصطلاح حقوق شهروندی اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی ۱۴۳۴ فرانسه مطرح شد. این اعلامیه دارای یک مقدمه و سی ماده است که مقدمه آن متضمن سلسله مفاهیم و اندیشه های بنیادی است که در آن وحدت افراد، بشر، کرامت، انسانی و شناسایی حقوق ناشی از آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می



دانند. حقوق بشر یعنی جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند با زبان قلم با دیگران سخن بگوید و حقوق بشر یعنی آنکه نتوان کسی را بدون حضور یک هیأت منصفه متشکل از افراد مستقل به مازات محکوم کرد، یعنی آنکه محکومیت کیفری ب حسب مقررات قانون صورت می پذیرد یعنی آکه انسان بتواند با آرامش خاطر به هر دینی که خود بر می گزیند متدین شود. (روشن، ۱۳۹۳: ۱۱۴) حقوق بشر در مراحل نخستین خود به تبیین جنبه های از زندگی فردی پرداخته بود که میبایستی از مداخله دولت ها در امان بماند اما در مرحله دوم کم کم این اندیشه مطرح شد که التزام دولت به عدم مداخله کافی نیست بلکه در مواردی دولت باید اقداماتی برای تحکیم حقوق و آزادیهای فردی انجام دهد. به همین دلیل نظام بین المللی حقوق بشر با تعیین حدود آزادیهای فردی دولتها را به رعایت حریم آن آزادی ها موف کرده است اصول قوق شهرندی در دوره رم باستان و یونان تا قرن هجدهم میلادی، به صورت مکتوب، مدون و جامع نبوده است حقوق باستان به شدت فلسفی بوده است. از همین رو ارسطو بنیان گذار و نظریه پرداز حق مردمان سرزمین یونان است. در آن دوران شهروندان در مقابل بیگانگان و بردگان قرار می گرفته اند که از حقوق کامل برخوردار بوده اند؛ افکار آنان به شدت اشرافی زاده و طبقاتی بود که برابری در آن معنایی نداشت در قرون وسی نیز همراهی روحانیون مسیحی با حکام ظالم و فئودالها، بدترین حق کشیها رخ داد آنان در دادگاههای خود کرامت انسانی را لگدمال می کردند. مفهوم حقوق شهروندی در تحولات اروپا و پس از قرون وسطی با اعلامیه جهانی حقوق بشر در فرانسه تغییر کرد آزادیهای مشروع در غرب بر اساس مکتب لیبرالیسم تعریف شده است. لذا مفهوم فلسفی آزادی با اصل حاکمیت اراده توجیه می.شود بر این مبنا اروپائیان پس از گذراندن دوران فشارهای ناشی از حاکمیت کلیساهای فاسد و حکومتهای، ظالم، با تأکید بر حقوق طبیعی، بنیان حقوقی را نهادند که از گزند حکومتها در امان بماند برای اساس انسانها بر اساس لیاقتها و فضائلی که دارند از این حقوق بهره مند میشوند اما علیرغم این مبنای طبیعی و غیرقابل سلب، این حقوق در قانون تعریف میشوند و از این طریق قابل اجرا و دارای ضمانت خواهند بود. (آرون، ۱۳۷۷: ۶) دیدگاه دیگری که درباره حقوق در جامعه غربی وجود دارد این است که تشکیل حکومتها نیاز به توافق اعضای بالغ جامعه دار و حدود و اختیار ولت و مردم بر اساس این توافق تنظیم میشود. از آن رو مردم حقوق مطلق ندارند و نمیتوانند حکومت



مطلق نیز ایجاد کنند. زیرا حقوق بشر و اسناد مروط، به آن با پذیرش دولتها تحقق پیدا میکند و وجود حقوق فرای حقوق ملی و اراده دولتها در اینه منتفی است.

بند دوم: حقوق شهروندی در اسلام و ایران

با مبعوث شدن خاتم النبیین حضرت محمد بن عبدالله (ص) در سرزمین حجاز عادات و رسوم . آداب منحوس عصر جاهلی جای خود را به تمدنی داد که از حیث جامعیت تعلیمات بی نظیر بود و اعراب بدوی را که حتی فاقد یک سیستم حکومتی واحد بودند به چهره فاتحان جهان تبدیل ساخت. پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان هجرت پیامبر اکرم (ص) به یشرب (مدینه النبی) باز می گردد و اولین بارقه های تشکیل حکومت اسلامی از آن زمان پدیدار گشت چراکه حقوق شهروندی زمانی موضوعیت دارد که هر دو رکن آن یعنی حکومت و مردم شکل گرفته باشد به دیگر سخن، ظرفتحقق حقوق شهروندی تشکیل حکومت است. (احمدزاده ۱۳۸۴: ۱۰۴). رسول اکرم (ص) با الهام از آموزه های وحیانی شاخصه های حقوق شهروندی را در میان شهروندان جامعه اسلامی به بهترین نحو ممکن به اجرا در آورد. آموزه های قرآنی به عنوان با اهمیت ترین خاستگاه حقوق شهروندی با تأکید بر برابری و برادری همه افراد از هر نژاد و رنگ هرگونه امتیاز بندی و تفاوت گذاری بر اساس ویژگی های مادی و ظاهری را مردود اعلام نموده (نساء: ۱) و تنها معیار برتری افراد بر یکدیگر را تقوای الهی معرفی می کند (حجرات: ۱۳) قرآن در خطابات خود تمامی مردم را مورد خطاب قرار می دهد (یا أَیُّهَا النَّاسُ...) و ذکری از قبیله، خاص ملت یا نژادی به میان نمی آورد. قرآن مردم را به اصل نخستین آنها که همان آدم و حوا باشد متوجه میسازد تا به آنها یادآور شود که همگی از یک پدر و مادر هستند اگر چه بعضی غنی و بعضی دیگر فقیر بعضی زیبا، و بعضی دیگر زشت، جمعی عرب و جمعی دیگر عجم باشید این گونه اختلافات لازمه طبیعت و شرایط محیطی است و تنها برای شناسایی و برقراری نظم اجتماعی است نه دشمنی و تبعیض و اجحاف (قربانی ۱۳۸۳: ۱۴۹) اسلام همه افراد بشر را از نظر حقوق و تکالیف، انسانی یکسان میدانند؛ زیرا همه آنها در انسانیت با هم برابر و از جهت آفرینش با هم برادرند. طبق آموزه های اسلامی اصل تساوی مجازاتها برای همه افراد اعم از مرد و زن، مسؤل و غیرمسؤل به طور یکسان اعمال می شد و حق اقامه دعوا در مقابل تخلفات مقامات حاکم برای همه مردم پیش بینی شده



بود. وجود «دیوان مظالم خود شاهی است بر این مدعا که مردم می‌توانستند از حاکمان و عمال آنها شکایت کنند. از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام اهمیت حفظ و رعایت حقوق الناس است آنچنان که در این آموزه‌ها آمده حق الهی قابل بخشایش است و لیکن حق الناس تنها با رضایت فرد متضرر قابل بخشش و گذشت است. دین اسلام بی‌عدالتی‌های آشکاری را که در حق زنان اعمال می‌شد از میان برد و اهتمام ویژه‌ای به حقوق زنان دارد پیامبر (ص) بهشت را زیر پای مادران میدانست و در قرآن بر خوشرفتاری با زنان تأکید بسیار شده است (نساء/۱۹). حقوق اقلیت‌ها همواره مورد احترام و توجه اسلام بوده و آنان نیز همچون مسلمانان عضو جامعه اسلامی محسوب می‌شدند. کشیشان، پیرمردان، فقرا و جوانان نابالغ از پرداخت جزیه معاف بودند، احترام به حقوق اهل کتاب و اقلیتهای دینی از چنان جایگاه محکمی برخوردار بود که حتی سه دهه پس از رحلت رسول خدا، خوارج نهروان که خوک متعلق به یک یهودی را کشته بودند غرامت آن را پرداختند. (ایمانی سطوت ۱۳۸۵: ۲۰۴) بیانیه جهانی حقوق بشر، مبانی حقوق در اسلام اندیشه‌های انسان‌شناسانه و جهان‌بینی خاصی است که تا به آنها توجه نشود، نه فلسفه احکام شناخته می‌شود و نه حدود اجتهاد معلوم می‌شود و نه شناخت و اجرای حکم میسر خواهد شد. اسلام تعالیم بسیار عمیقی در مورد رعایت حقوق انسانها، حیوانات و حتی گیاهان و محیط زیست دارد. در اسلام بر روی حق الناس تأکید ویژه‌ای وجود دارد. در روایات اسلامی آمده است خداوند از حق خود می‌گذرد اما از حق الناس هرگز حتی در مورد غیر مسلمانان نیز اگر قصد فساد و عناد با اسلام نداشته باشند، اسلام اجازه تجاوز به حقوق آنان را نمی‌دهد. بنابراین باید دقت داشت که اسلام خود بزرگترین امی و واضع حقوق بشر است و مشکلی با این قضیه ندارد. اما نکته اینجاست که در برخی از اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواردی از قبیل آزادی زن و مرد در ازدواج حتی مسلمان با غیر مسلمان، تساوی مطلق زن و مرد در حقوق و ارث و دیات و ... وجود دارد که در تضاد با برخی از احکام دین مبین اسلام است. آنچه که برای اسلام مهم است احیای حقوق بشر در پرتو حق است نه چیز دیگر .. اولین مدعی حقوق بشر خداوند متعال است. (اردلان، ۱۳۹۹: ۱۶۲) فطرت، حقیقتی یکسان و همگانی در میان انسان‌هاست که آنها را به سوی کمال و حقیقت سوق می‌دهد و جامع حقیقت انسانی است. بر اساس این نظریه، فطرت انسان دارای ادراکات و گرایشات فطری است. بر این اساس



نمی توان انسانها را ظروفی خالی تصور کرد. چرا که فطرت و ویژگی های عمده ای دارد که برای اثبات حقوق بشر و شهروندی ما را به هدف می رساند. در حقوق اسلامی برای دریافت قوانین الهی چهار مرجع صلاحیت دار یعنی، قرآن، سنت، اجماع و عقل وجود دارد که مهمترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی همان قرآن کریم است زیرا تجدیدی را که بشریت در عرصه ارتباطات فرد اجتماعی، سیاسی و بین المللی بدان نیازمند هستند را به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان آورده است. با عنایت به این که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از احکام و آموزه های دینی است می توان با جستجو درباره عناصر حقوق شهروندی نسبت به بررسی ظرفیت های قانون اساسی نسبت به آموزش شهروندی اقدام نمود. در واقع نظام حقوقی ایران که زاینده ایده ها و اهداف مذهبی است. حقوق انسان و کرامت وی را به عنوان هدف اصلی در نظر می گیرند. چه این که تعلیم و تربیت انسان و همچنین احقاق حقوق مؤمنان یکی از اهداف اساسی جامعه اسلامی است. مسأله تربیت و آموزش انسانها نیز در رأس این برنامه الهی و به تبع آن نظام حقوقی اسلامی قرار می گیرد. از این رو آموزش و تربیت انسانها که منجر به شناخت حقوق فردی و اجتماعی انسان می شود لاجرم با رویکردهای استبدادی در تعارض است از جمله این که ساختار سیاسی و اجتماعی ایران نظامهای استبدادی متعددی را به خود دیده است که هر کدام به نوعی باعث نادیده گرفتن حقوق شهروندی می شدند. از این منظر، ساختار قدرت در نظامهای استبدادی به گونه ای بوده است که دستورات و برنامه های آنان در تعارض با حقوق و منافع ملی مردم سرزمین ایران قرار می گرفت. به طور مشخص، این وضعیت تا دوران مشروطیت به قوت خود باقی بوده است و تنها پس از انقلاب مشروطه و سپس انقلاب اسلامی و با مطرح شدن حقوق و کرامت انسانی، جایگاه حقوق شهروندی و حقوق شهروندان به عنوان مسأله ای اساسی نظر گرفته شد. بدین معنا، مطرح شدن اندیشه های آزادی، عدالت، برابری و برادری باعث تغییر وضعیت به نفع مردم و مقابله با استبداد شده بود حتی آموزش و تربیت شهروندان جهت زندگی مطلوب اجتماعی و اقتصادی، نیازمند توجه بیشتری به مقوله حقوق شهروندی بوده است. رویکرد مزبور که در دوره پهلوی نیز مطرح بوده است، هر چند در ابعاد اجتماعی نشانه هایی از تجدد و پیشرفت را به خود گرفته بود، اما از جهات دیگری باعث عقب ماندگی شد و به دلیل عدم توسعه سیاسی و عدم رعایت حقوق بشر،



حقوق شهروندی مطلوبی پا نگرفت. (همان: ۱۶۳) در همین راستا، پیروزی انقلاب اسلامی ایران نوید بخش آینده‌ای روشن و امید بخش از حقوق شهروندی بوده است که بر مبنای کرامت و عفت انسانی، حقوق مادی و معنوی انسان‌ها را احیاء نمود و با در نظر گرفتن شرایط زمانه، حقوق و مسئولیت‌های جدیدی را برای انسان در نظر گرفت.

بخش سوم: جایگاه آموزه‌های دینی در تضمین حقوق شهروندان توسط نیروهای پلیس و انتظامی

پلیس در جایگاه ضابط دادگستری به سبب تعامل مستمر و مستقیم با شهروندان، نقشی اساسی در چرخه عدالت کیفری دارد. حفظ امنیت و رعایت حقوق شهروندان پس از رفع مایحتاج اولیه انسانی در درجه نخست اهمیت قرار دارد. حقوق شهروندی متهم از جمله اموری است که کوچک‌ترین مسامحه نسبت به آن در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی موجبات تضییع آزادیهای اساسی و در مواردی زمینه نقض حقوق او را فراهم میسازد. شهروندان از پلیس انتظار دارند در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی تلاش خود را تنها منحصر به جمع‌آوری دلایل علیه او نکنند و بکوشد در کمال بی‌طرفی در جهت اثبات حقیقت دلایل له و علیه متهم را جمع‌آوری نماید. (شیرانی، ۱۴۰۰: ۱) این موضوع برای اثبات حقیقت جز در پرتو حفظ و رعایت حقوق شهروندی متهم توسط پلیس شهروند مدار میسر نخواهد شد. حقوق شهروندی متهم در قوانین اساسی و عادی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. لیکن در برخی از موارد وظایف پلیس در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین نشده است که البته در لایحه جدید با ذکر مواردی از قبیل اعلام حقوق شهروندی متهم توسط پلیس و مراجع ذی‌ربط، وظایف آنان به طور شفاف‌تری مشخص شده است. در این راستا پیشنهادهایی از قبیل ایجاد فرهنگ ترویج حقوق شهروندی تعامل هر چه بیشتر پلیس و دستگاه قضایی، توسعه نظارت‌های منظم بر عملکرد پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهم و ارتقای دانش پلیسی در این زمینه ارائه شده است. هر چند که پیشگیری از جرم از اهداف اصلی نیروی پلیس است لیکن این وظیفه تا حد زیادی در اولویت فرعی و بعد از روشها و تکنیک‌های واکنشی مربوط به اعمال قانون قرار گرفته است اما نه سیستم‌های مدیریت اداری و نه توسعه ابزارهای فنی نمی‌تواند با افزایش نرخ جرائم در جوامع غربی پس از دهه ۱۹۶۰ مقابله کند. بعلاوه، درصد موارد کشف جرم کاهش



پیدا کرده در حالی که ترس عمومی از جرم افزایش پیدا کرده است. پیوستگی تمام این عناصر منجر به فاصله گرفتن تدریجی پلیس از جامعه خود شده است. (درویشی، ۱۳۹۶: ۶۶) با شکست در برابر جرم کاهش بودجه در دهه ۱۹۷۰ و ناتوانی در برآوردن انتظارات عمومی، ادارات پلیس آغاز به کاوش رویکردهای جدید نمودند. برخی از راه‌حلهای معین شده عبارت‌اند از: رویکرد مسئله محوری به امور، پلیس پلیس محله‌ها و گشتهای پیاده حتی با اینکه ابزارهای جدید اطلاع‌رسانی توسعه پیدا کرده است لیکن نیروهای پلیس تلاش به افقی کردن سلسله مراتب و تمرکز زدایی از فرآیند تصمیم‌گیری نیز نموده‌اند.

گذری در آموزه‌های اسلامی و تعالیم رسیده از قرآن و سنت معصومین (ع) توجه این دین به مقوله‌ی پیشگیری - اعم از پیشگیری فرد مدار اجتماعی و پیشگیری موقعیت مدار (وضعی) را کاملاً نمایان می‌سازد، به گونه‌ای که حتی می‌توان ادعا نمود که عمده‌ی آموزه‌های، اخلاقی، اجتماعی، حتی عبادی این دین، پیشگیری محور بوده و به طور مستقیم و بی‌واسطه یا به طور غیرمستقیم، تدابیری مؤثر جهت اصلاح رفتار و عملکرد انسانها در زندگی فردی و اجتماعی و دوری از هرگونه انحراف و کجروی را ارائه می‌کند. اصولاً دین مبین اسلام به پیشگیری بیش از اصلاح اهتمام دارد و به همین دلیل قبل از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله آنها با واقع‌بینی تمام چاره‌اندیشی نموده است. شاید بهترین و پربارترین بخش از تأکیدات اسلام روی همین بعد باشد. پیشگیری از جرم بر اساس آموزه‌های اسلامی یک جریان دو طرفه بوده که هم پلیس و هم، مردم در آن نقش سازنده و تأثیر گذاری دارند در این میان توجه ویژه مدیران و کارکنان ناجا به آموزه‌های اسلامی و عوامل پیشگیرانه از جرم از قبیل اعتقاد به، توحید اعتقاد به معاد، نقش و تأثیر نماز، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق و احسان حجاب و عفاف نظارت و واپایش تعلیم و آموزش عمومی، پیشگیری از طریق خانواده، محبت و مهرورزی معاشرت با نیکان و صالحان اجرای روش الگو دهی و و الگو گیری، ترویج فرهنگ صبر بردباری و شکرگزاری فرهنگ قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر و بالاخره تأثیر توبه و عملیاتی و اجرایی کردن آنها در نظام تعلیم و تربیت فردی و سازمانی می‌تواند در پیشگیری از تخلف و جرم مفید و اثر بخش باشد با نگاهی به آموزه‌های دینی می‌بینیم که آن چه امروزه از آن به عنوان پیشگیری از جرم یاد



میشود در تار و پود پیام‌های آسمانی و رهنمودهای انبیاء و اولیا الهی بوده است و بالاتر از آن از آنجا که رسالت این رهایی انسان از تباهی و گروهی می‌باشد لذا پیشوایان دینی برای تحقیق آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند و قبل از مبارزه با معلول با علت و زمینه گناه و جرم مبارزه می‌کردند و بر این اساس پیشگیری از انحراف در صورت وظایف دینی قرار داشته است. البته در مکاتب الهی شیوه‌های تربیتی علاوه بر مجازاتها مورد تأکید بوده است. از طرف دیگر علم جرم‌شناسی نیز که موضوع آن پرداختن به جرم و راههای پیشگیری از آن است نیز توجه شایانی به این مسأله داشته است حقوق شهروندی در برگیرنده حقوق اجتماعی - سیاسی و مدنی شهروندان در مقابل دولت است. (روشن، بیرانوند، ۱۳۹۳: ۱۲۵) این حقوق با توجه به ویژگیهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی در جوامع مختلف متفاوت است. آنچه مسلم است حقوق و آزادیهای عمومی افراد در هر جامعه‌ای باید بنحوی که درخور شخصیت و کرامت ذاتی انسان است از سوی دیگر شهروندان و حاکمیت مورد احترام قرار گیرد و از هرگونه تعدی و خدشه وارد کردن به آن ممانعت به عمل آید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی دیگر همچون قانون حقوق شهروندی بر ضرورت رعایت حقوق شهروندان در جامعه دلالت دارد که این امر مبین این است که حقوق شهروندی در ایران مورد توجه قرار گرفته است. اما قانون مذکور آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروند اصلاحات و تجدید نظر دقیقی را می‌طلبد چرا که به طور خاص حقوق شهروند را در جایگاه متهم مورد توجه قرار داده است و اقدامات دستگاههای قضایی و انتظامی را در این موارد ملحوظ نظر داشته است. در حالی که لفظ قانون جامعیت آن را در همه جنبه‌ها می‌طلبد برای رسیدن به امنیت پایدار دولت و مردم هر کدام به نسبتی باید نقش ایفا کنند تحقق امنیت اجتماعی تنها با اتکای دولت و نیروهای رسمی جامعه صورت نمی‌گیرد بلکه امنیت اجتماعی به اتکای دیگر بسترهای اجتماعی نیز هست. پس امنیت اجتماعی فارغ از ایدئولوژی و نیروی مسلط در بستری از یکسان‌نگری جریان می‌یابد. اما اینکه پلیس چگونه می‌تواند امنیت را در جامعه ایجاد و در کنار آن حقوق شهروندان را نیز رعایت کند مقوله‌ای است که امروزه بعنوان عملکرد جامعه‌مداری یا جامعه‌محوری پلیس تعبیر می‌شود. ویژگیها و شاخصهای پلیس جامعه‌محور نقطه مقابل ویژگیهای تهدیدمحور است. در تهدیدمحوری مقابله با جرم اصل و شیوه کار پلیس است و ابزار پلیس



برای تأمین امنیت است. در حالیکه پلیس جامع محور حل مسئله و تقدم پیشگیری بر عملکرد واکنشی پس از جرم ابثنا داشته و به مشارکت فعالانه مردم توجه دارد تشکیل مرکز فوریتهای پلیس ۱۱۰ گامی در جهت افزایش تحرک و سرعت عمل در بدنه اجرایی ناجا و بمنظور پاسخ به نیازهای پلیسی، مردم بود یکی از کار کردهای جامعه محوری پلیس در جهت پاسخگویی پلیس و دفاع از جان و مال و ناموس مردم و حمایت از حقوق شهروندان به شمار میآید گام دیگر ناجا در جهت افزایش منزلت اجتماعی و حفظ حقوق شهروندان برداشته طرح نظارت همگانی بوده است که می توان به عنوان یکی از راهکارهای تحقق شعار پلیس جامعه محور محسوب کرد. (رجبی، ۱۳۸۸: ۳۴) این طرح در اجرای اصل ۸ قانون اساسی که نظارت بر دستگاه های دولتی را حق مردم دانسته است و همچنین بر اساس رویکرد اجتماعی پلیس و لزوم تعامل و نظارت آحاد شهروندان بر عملکرد پلیس و تحقق شعار پلیس پاسخگو به اجرا در آمده است و همچنین کار کرد دیگر نیروی انتظامی که رویکرد جامعه محور داشته است ایجاد پلیس زن بوده که این پلیس با حمایت از امنیت روحی و روانی زنان و کودکان آسیب دیده در جهت ارائه خدمات انتظامی و دفاع از آزادیها و حقوق شهروندی ایشان در مقابل متجاوزان می باشد. همچنین ایجاد پلیس پیشگیری با هدف تخصصی نمودن واحدهای پلیس افق جدیدی از سازمان پلیس را نشان می دهد که در راستای احیاء حقوق شهروندی گام بر می دارد. در فرهنگ معین پیش گیری (prevention) در لغت به معنای، جلوگیری، دفع، منع سرایت مرض از پیش تقدم به حفظ، صیانت حفظ، صحت، جلو مرض گرفتن آمده است. (معین، ۱۳۸۶: ۹۳۳) از دیدگاه ریشه شناسی کلمه پیش گیری دارای دو بعد است: ۱- به معنی پیش دست کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن و ۲- به معنی آگاه کردن خبر چیزی را دادن و هشدار داناست. اما در جر شناسی پیش گیرانه، پیش گیری در معنای نخست آن مور استفاده قرار می گیرد، یعنی با استفاد از فنون مختلف از وقوع بزهکاری جلوگیری کردن است و هدف از آن به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است. از نظر علمی، نیز پیش گیری یک مفهوم منطقی تجربی است که همزمان با تأملات عقلانی و مشاهدات تجربی ناشی می شود. پیش گیری از جرم به مجموعه اقداماتی گفته می شود که برای جلوگیری از فعل و انفعال زبان آوا و محتمل برای فرد یا گروه و یا هر دو به عمل می آید. مثل پیش گیری از جرائم جوانان و



پیشگیری از حوادث در جاده‌ها. (رجبی پور: ۱۳۸۲، ۱۵) شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی (تیپولوژی) از پیش‌گیری ارائه شده است. در موضوع پیشگیری از وقوع جرم مروری بر تعاریف ارائه شده در خصوص جرم امری اجتناب ناپذیر است. هر چند برخی از صاحب‌نظران علم جرم‌شناسی مانند راب وایت و فیونا معتقدند پاسخ صریحی در خصوص این که جرم چیست وجود ندارد این دو نفر می‌گویند تعریف جرم متناسب با دغدغه‌ها و جهان بینی افراد متفاوت است. برخی دیگر از جرم‌شناسان مثل ریچارد شنایدر و تدکچین جرم را رویدای پیچیده دانسته و می‌گویند جرم زمانی اتفاق می‌افتد که چهار عامل هم‌زمان با هم وجود داشته باشند. قانون، مجرم، هدف و مکان. وقوع جرم آنها به نقل از فرهنگ انگلیسی آکسفورد جرم را این‌گونه تعریف می‌کنند. یکی از مهمترین سرمایه‌های بشری اخلاق و ارزشهای اخلاقی تربیت صحیح و تأدب به آداب نیک و پسندیده است که اهمیت والایی برای زندگی و پیشرفت و سعادت انسان دارد. اما متأسفانه از آنجا که بشر مطلقاً محسوسات و مادیات را قبل از امور معنوی می‌شناسد به اهمیت و ارزش این مهم کمتر توجه کرده و نقش و جایگاه آن را در زندگی به درستی مشخص نکرده است. یکی از رسالت‌های دین و آموزه‌های دینی توجه دادن انسان به جایگاه واقعی این امر در زندگی بشر است. آمیختگی اخلاق و مذهب به طور آشکارا در ادیان توحیدی؛ از جمله یهود، مسیحیت و اسلام قابل مشاهده است. این پیوند در اسلام تا بدان اندازه است که تزکیه و تهذیب روحی به کمال رسانیدن اخلاق به عنوان فلسفه بعثت پیامبر اکرم (ص) مطرح گردیده است. (ایرانی، ۱۳۸۴: ۶۹) هر چند پیدایش عصر رنسانس و در پی واکنش به عملکرد نادرست کلیسا در قرون وسطا و آموزه‌های تحریف شده مسیحیت با گرایش مذهبی رو به ضعف نهاد و به تبع آن اندیشه‌ی جدایی دین از اخلاق و به طور کلی از صحنه اجتماعی مطرح گردید اما در آموزه‌های اصیل اسلامی، به هیچ وجه چنین امری محقق نگردیده است. به همین لحاظ اخلاق و ارزشهای اخلاقی همچنان پیکره‌ی اصلی آموزه‌های دینی - اسلامی را به خود اختصاص داده است و پرورش انسان اخلاقی، مهم‌ترین هدف این دین است. به هر روی، حتی در جوامع غربی و با نادیده انگاشتن تأکیدات و سفارشات دینی در مورد اخلاق، نیاز انسان به عمل کردن بر مبنای اخلاق فردی و اجتماعی ضرورت و اهمیت آن برای جامعه انسانی به هیچ وجه کمرنگ نخواهد



شد. به عبارت دیگر، گذشته از مصالح آخرتی و معنوی اخلاق برای انسانها، پیشرفت و سعادت دنیایی انسان نیز جز از طریق کسب فضایل و عمل کردن به ارزشهای اخلاقی در سطح فرد و جامعه، محقق نخواهد شد. حضرت علی (ع) در ضمن کلام پر معنی خویش، پرده از این حقیقت اصیل می‌گشاید. «الو کنا لا نرجوا جنه و لا نخشی ناراً و لا ثواباً و لا عقاباً لکان ینبغی لنا ان نطلب مکارم الاخلاق فانها مما تدل علی سبیل النجاح» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۹۳). «بر فرض که امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشته باشیم، باز شایسته آن بود که ما در پیمکارم الاخلاق باشیم؛ زیرا خوشبختی و سعادت را این طریق می‌توان به دست آورد». بر اساس این نگاه، سرچشمه بسیاری از نابه‌هنجاری‌ها و انحرافات فردی و اجتماعی و وقوع جرائم و کجروی‌ها در فقدان حاکمیت اخلاق و ارزشهای اخلاقی نهفته است. این امر اگر چه در بسیاری از نظریه‌های جرم‌شناسانه که در باب چرایی وقوع جرائم و انحرافات تاکنون ارائه شده‌اند مورد غفلت قرار گرفته. اما شکست نظریه‌های مذکور در کنترل جرائم رویکرد دوباره به اهمیت این مقوله حیاتی را سبب شده است. در استناد و تحقیقات بین‌المللی از جمله در نهمین کنگره سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان که به جرائم خشونت‌آمیز اختصاص داشت و در قاهره تشکیل شد به این نکته به روشنی تصریح شده است که بین جرم و وجود یا عدم وجود نابه‌هنجاریهای اخلاقی در سطح فردی یا اجتماعی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. چنان‌که ملاحظه شد در حوزه مباحث انسان‌شناسی در خصوص ماهیت، فطرت، سه نظریه‌ی متفاوت مبنایی در میان مکاتب وجود دارد که باعث به وجود آمدن نتایج مختلفی از جمله طرز تلقی از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی می‌گردد. بر این اساس در ذیل به طور مختصر به بررسی این نظریه‌ها می‌پردازیم و تعریف اخلاق و ارزشهای اخلاقی، شاخص آن، مکانیسم کسب اخلاق، عوامل تأثیرگذار در آن و را در این نظریه‌ها بررسی می‌کنیم و در نهایت ضمن بحثی، جداگانه، دیدگاه اسلام در این خصوص را نیز تبیین خواهیم کرد.

بخش چهارم: حقوق شهروندی بعد از محاکمه

با اتمام دادرسی و صدور حکم از ادامه توجهات به حقوق شهروندی مستغنی نخواهیم بود و استمرار این توجهات لازم و ضروری می‌باشد. چون ثمره یک دادرسی عادلانه برای شهروندان



در مرحله بعد از محاکمه جلوه گر می شود. به عنوان مثال اینکه چگونه در صدد جبران خسارات شهروند باشیم تا حقوق او مورد لحاظ واقع شده و رضایتش جلب شود مربوط به این مرحله می باشد. با این وصف به بررسی حق اعتراض و تجدیدنظر خواهی هر شهروند از رأی اصداری و جبران خسارات او که مربوط به حقوق وی بعد از محاکمه می شود می پردازیم.

الف) حق اعتراض و تجدیدنظر از رأی بدوی:

استیناف یا تجدیدنظر خواهی یکی از حقوق مسلم بزه دیده و مرتکب جرم است. سیستم رسیدگی دو درجه ای یکی از اصول مهمی است که از لحاظ امنیت قضائی حقوق بشر بر آن تأکید دارد. در سیستم قضائی فعلی ایران اگرچه بر اساس صدر ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری آرای دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری قطعی است. ولی نظام دو مرحله ای بودن دادگاه ها پذیرفته شده است و به موجب همان قانون بیشتر آراء قابل تجدید نظر خواهی هستند. مقنن در ملاحظه حقوق شهروندی یکی از اصول بنیادی حمایتی را در قالب اصل پژوهش خواهی از آرا پذیرفته است و برای بزه دیده این حق را قائل است که به آرای صادر شده اعتراض کند. مهم ترین مواردی که در آنها بزه دیده از حق پژوهش خواهی برخوردار است. (امینی، ۱۳۷۲: ۸۶)، یکی از ابزارهای بنیادی در حمایت از شهروندان داشتن حق اعتراض به قرارهایی است که منجر به منع تعقیب یا موقوفی تعقیب متهم می شوند. در واقع با به رسمیت شناخته شدن این حق اعتراض، این فرصت برای ایشان ایجاد می شود که در مقام شاکی خصوصی از مراجع عالی، درخواست رسیدگی مجدد به پرونده را داشته باشد بند ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ و تبصره ی ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری در این خصوص یک حق ویژه هم برای بزه دیده بطوریکه در بند ۳ ماده ی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب که هرگاه به علت عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر شده باشد، بعد از کشف دلایل جدید فقط برای یک مرتبه میتوان به درخواست دادستان متهم را تعقیب نمود. مورد دیگری که در حمایت از بزه دیده بسیار اهمیت دارد توجه مقنن به جایگاه بزه دیده در اعتراض به احکام برائت است. به موجب قانون اعتراض به احکام صادره از سوی دادگاه مبنی بر برائت متهم از اتهام انتسابی حق بزه دیده است. این تدبیر در تبصره ی ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ گنجانده



شده است. در قانون آئین دادرسی کیفری سابقه بزه دیده در اعتراض به احکام به منزله مدعی خصوصی وارد دعوا می شد ولی در حال حاضر بزه دیده متواند در مقام شاکی و مدعی خصوصی وارد دعوا شود. مطابق قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های ع عنوان بزه دیده جرائم در صلاحیت این محاکم محسوب می شود در حین رسیدگی بدو به چنین جرائمی به عنوان شاکی و مدعی خصوصی محسوب می شود. اما در مرحله پژوهش خواهی بند (ج) تبصره ۵ ماده ۲۰ قانون مذکور اعتراض خواهی بزه دیده را از حیث ضرر و زیان ناشی از جرم مطرح کرده و بزه دیده به منزله مدعی خصوصی وارد دعوا می شود. ظاهراً مقنن اعتراض خواهی شاکی خصوصی را پذیرفته است. لذا در این مورد که آیا بزه دیده در مورد آرای دادگاه کیفری استان از حیث دعوای کیفری می تواند در مقام شاکی خصوصی درخواست اعتراض کند باید گفت؛ به موجب تبصره ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۸۷ و ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ بزه دیده می تواند نسبت به آرای دادگاه کیفری استان از حیث دعوای کیفری به عنوان شاکی خصوصی درخواست تجدید نظر خواهی نماید. البته بهتر بود که قانون گذار پذیرش شکایت شاکی خصوصی از آرای دادگاه کیفری استان را مورد تأکید قرار می داد و آن را در بند (ج) تبصره ۵ ماده ۲۰ قانون اخیرالذکر بیان می داشت.

بخش پنجم: حقوق شهروندی در آیه های قرآنی

از جمله آیاتی که به کرامت و شأن انسانی معلولان و به ویژه نابینایان توجه شده، سوره عبس برخی مفسرین این سوره را به نام اعمی (نابینا) نام گذاری کرده اند و با این آیات شروع شده است. عَبَسَ وَتَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي أَوْ يَذْكُرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى أَمَا مَنْ اسْتَعْنَى فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى.

این سوره در مکه نازل شده و گزارش ماجرای است که با ورود فرد نابینایی به جلسه ای که سران قریش و مشاهیر با حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تجمع کرده بودند، آغاز می شود. این فرد نابینا همان عبدالله بن ام مکتوم است و با ورود به مسجد با صدای بلند رسول خدا را صدا میزد و مکرر می گفته ای رسول خدا کجایی از تو پرسش دارم؟ شخصی در جمع سران و مشاهیر شهر مکه از این رفتار ابن ام



مکتوم ناراحت شده و چهره در هم کشیده و رو بر می گرداند خداوند این گونه برخورد با یک نابینا را بر نمی تابد و در این سوره به شدت از چنین رفتارهایی بر حذر می دارد. خداوند فرد نابینا را با صفات عالی مدح کرده و او را پاک، منزّه، صالح آگاه و بهره مند از مواعظ و دستورات اسلامی می داند و در مقابل شخصی که رویش را از نابینا برگردانده و اظهار ناراحتی کرده به سختی توبیخ می کند. او را ثروتمند می نامد که در پی ریاست طلبی است و در پی پاک شدن از رذائل هم نیست. ولی این فرد نابینای تلاشگر با خشیت و ایمان و باور در تلاش است. سوره عبس گویای این است که حتی برخورد منفی در حد رو برگرداندن نسبت به یک معلول در فرهنگ قرآنی جایز و صحیح نیست. زیرا معلولان مثل دیگر انسانها حق دارند از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسش نمایند و ایشان را صدا بزنند و دانش بیاموزند و معارف دینی را فرا بگیرند. و فردی که رویش را برگرداند و چهره درهم کشید در واقع اعتراض داشت که چرا یک نابینا به مسجد - آمده و به جمع یعنی سران قریش وارد شده و پیامبر را صدا میزند و می خواهد از پیامبر مسئله پرسد و علم بیاموزد؟ و خداوند با ارسال این آیات می خواهد بفهماند که نابینایان مثل افراد عادی چنین حق و حقوقی دارند آنان می توانند رهبران را صدا بزنند و با او گفت و گو داشته باشند کسی هم نمی تواند نسبت به آنان حتی ترش رویی کند. توجه شود فرد ترش رو حرف و سخنی خطاب به نابینا نگفت و دست روی او بلند نکرده بود؛ فقط اظهار ناراحتی کرده و روی خود را برگردانده بود. خداوند همین اندازه موضع گیری منفی را نسبت به معلولان قبول نمی کند زیرا اینان را مثل دیگر مردم شهروندان قابل احترام در جامعه اسلامی می داند (نوری، ۱۴۰۸: ۷۷)

بخش ششم: اخلاق اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی بر اساس موازین اسلامی

در آموزه های قرآنی موارد بسیار هست که بر رعایت اخلاقیات تأکید کرده است. عملاً سلام کردن به معلولین را لازم می شمارد. اینگونه آموزه ها بیانگر این است که از نظر اسلام معلولان شهروندان با حقوق مشخص هستند و اسلام درصدد تحکیم روابط آنان با دیگر آحاد جامعه از



طریق رعایت اخلاقیات است. رسول خدا می فرماید ترك السلام علی الضریر خیانه. یعنی سلام نکردن بر نابینا خیانت به او است. ضریر و مکفوف و اعمی مترادف و به معنای نابینا می باشند. خیانت یعنی عدم وفای به عهد، نقص پیمان، مکر و حيله است سلام نکردن بر نابینایان شکستن پیوندها و عهدهای اجتماعی و تضعیف روابط اجتماعی است. (ایمانی سطوت، ۱۳۸۵: ۸۵). نابینا بنابر باورهای اسلامی به عنوان شهروند دارای حقوق و تعهدات است. از جمله تعهدات آنها این است که در تحکیم روابط اجتماعی مؤثر و کوشا باشند. برخی نویسندگان و دانشمندان سلام کردن که در این روایت آمده را یکی از مصداق های روابط اجتماعی و اخلاق اجتماعی است و لازم است همه آنها محترم شمرده شوند. استهزاء، مسخره کردن و تحقیر افراد فقیر و به شدت در اسلام طرد و نفی شده است. زیرا آثار تخریبی و مخرب فراوان دارد. کسانی که از نظر جسمی مشکلی یا از نظر عقلی کمبودی دارند و اینها را دست مایه مسخره کردن و استهزاء قرار داده اند در روایات سخت توبیخ شده اند. پیامبر اکرم صلی الله و سلم حتی اجازه نمیداد کلمه مجنون را جهت شوخی در مورد سی به کار ببرند. روزی ایشان میان جمعیت نشسته بود کسی گفت مجنون آمد و رسول خدا: گفت انما المجنون المقیم علی المعصیه ولكن هذا رجل مصاب یعنی هر آینه دیوانه کسی است که گناهکار است ولی این مرد درستکار است. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۷۵)

رسول خدا تأکید فرمود که به جای استفاده از کلمه اعمی از واژه بصیر استفاده کنید. نیز در روایت دیگر می فرماید: خداوند به هنگام داوری به چهره و بدن و اموال شما نگاه نمی کند بلکه به قلوب و اعمال شما نظر می افکند. علاوه بر این در قرآن آیات مهمی در نهی از مسخره کردن و تحقیر دیگران آمده است: ای مؤمنان کسی را مسخره نکنید، شاید آن کس که مسخره کرده اید بهتر از شما باشد. و لا تنازوا باللقاب اشخاص را القبهای سوء صدا نزنید. این توصیه ها و تأکیدها گویای این است که معلولان به عنوان عضوی از جامعه و داشتن حق و حقوق شهروندی، لازم است مردم با آنها به روش صحیح تعامل و رفتار داشته باشند. مسلمانان به اقتضای وظیفه انسان که دارند می توانند به بهانه اینکه در فلان شرایط هستیم و توانایی مساعدت به معلولان را نداریم از زیر بار مسئولیتها شانه خالی کنند. امام حسین علیه السلام در رژیم استبدادی معاویه و یزید می زیست و فشار مضاعف بر معلولان را روش امام عملاً نشان



داد حتی در این گونه رژیمها، مردم میتوانند به معلولان. کمک کنند مه اینها گویای این اس که در نظر امام، معلولان انسانهایی هستند که باید زندگی مثل دیگر شهروندان داشته باشند و تبعیض بین معلول و عادی نباید وجود داشته باشد. (جمشیدیان، ۱۳۸۳: ۸۹). امام حسین علیه السلام در سال چهارم قمری در مدینه متولد و در سال شصت و یک قمری در کربلا به شهادت رسید. در سال ۵۰ ق با شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام به امامت رسید. پس از رحلت پیامبر در دوره خلفا به امور فرهنگی و آموزش مشغول شد و در دوره خلافت پدرش، حضوری فعال داشت. در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امام علی علیه السلام بر عهده وی بود. در جنگ صفین به امور تبلیغی و تشویق سپاه و روحیه دادن به آنها اهتمام داشت و جریان حکمیت به عنوان یکی از شهود از طرف حضرت علی علیه السلام حضور داشت پس از شهادت امام علی علیه السلام، ده سال در کنار برادرش حضور اجتماعی داشت تا اینکه خودش به امامت رسید. چنین فردی که از خردسالی در کوران حوادث بزرگ شده و در متن رخدادها تجربه دیده قطعاً شناخت دقیق از جامعه دارد، گروه ها و جریانها را به خوبی می شناسد عوامل و علل حوادث اجتماعی را می داند. اکنون با تجزیه و تحلیل یکی از سخنرانیهای امام علی علیه السلام میخواهیم ببینیم چه دیدگاهی درباره جامعه معلولان و مشکلات و تحولات و تطورات این جامعه و وضعیت شهروندی آنان داشته است. سخنرانی برای نخبگان خطبه ای از امام حسین علیه السلام در چند منبع معتبر وارد شده و جملاتی از آن ویژه معلولان است هر چند کل آن هم مرتبط به شرایط و وضعیت این قشر می باشد. متنی که در تحف العقول و بحار الانوار و کتاب سلیم بن قیس هلالی آمده به نظر بسیار یک سخنرانی بوده که قسمت اولش در کتاب سلیم و قسمت دوم و سوم آن در کتاب تحف العقول آمده و اینها در اصل سخنرانی بوده که حضرت در سال ۵۸ ق در منا برای نخبگان جامعه و فرهیختگان بنی هاشم بیان کرده است. یعنی دو سال قبل از فوت معاویه پسر ابوسفیان این سخنرانی را اجرا کرده و به مشکلات جامعه و بدبختی های مسلمانان و مفاسد بنی امیه و معاویه پرداخته است. در چنین جامعه ظلم زده بیش از همه معلولین و آسیب دیدگان جامعه در معرض خطر هستند و حضرت این خطرات را متذکر شده است.



بخش هفتم: احترام پلیس به حقوق شهروندی

یکی از وظایف مهم پلیس حفظ حرمت شهروندان می باشد. حفظ حرمت آنان، برخورد خوب با آنان، صداقت داشتن پلیس در هنگام مواجه شدن با مردم، پاسخگو بودن پلیس، امانت دار بودن پلیس نسبت به اظهارات شاکی، رعایت حقوق شهروندان در کشف و تعقیب جرائم و از مهمترین وظایف پلیس است. اصولاً شاخصه های احترام پلیس به حقوق شهروندی را می توان به دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم کرد.

• وظایف پلیس در پرتو حقوق شهروندی

مطابق قانون اساسی، قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده واحده قانونی، احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و سایر قوانین مرتبط وظایفی بر عهده نیروی انتظامی گذاشته شده است و لازم است مأموران پلیس در انجام تکالیف قانونی حقوق شهروندی را رعایت نمایند. برخی از مهمترین وظایف پلیس با رعایت موازین اسلامی به شرح زیر می باشند.

الف) قانون گرایی

تردید نیست رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس از طریق توجه به مبانی شرعی و قانونی امکان پذیر است و جامعه انتظار دارد پلیس به عنوان مجری قانون، از اصول و موازین قانونی عدول ننماید. از این روی مأمورین پلیس به هیچ وجه حق مداخله خودسرانه، توسیع و تضییع دایره جرائم و تفسیر قوانین کیفری را ندارند و صرفاً باید در چارچوب قانون انجام وظیف نمایند. (سید تاج الدینی، ۱۳۸۹: ۶۶)

ب) برائت محوری

یکی از اصول مسلم شرعی و قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل برائت است. قاعده «قیح عقاب بلا بیان» و همچنین آیاتی از قبیل آیه ۱۵ سوره اسراء، حاکی از توجه شرع مقدس به این اصل مهم است. از طرفی اهمیت این اصل در قوانین کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر قانون اساسی، سایر قوانین نیز به این موضوع اشاره دارند. مطابق ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری «اصل برائت است و هرگونه اقدام محدود کننده، سلب آزادی و ورود به حریم



خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست». دستگاه پلیسی هر کشور که تکلیف کشف و تهیه عناصر تشکیل دهنده یک پرونده کیفری یا موضوع مستلزم تحقیق را بر عهده دارد می‌تواند در پی ریزی یک پرونده اتهامی غیر قانونی و غیر منصفانه نقش اساسی ایفا کند. بنابراین آموزش دستگاه پلیسی و امنیتی یک کشور و التزام آنها به اصل برائت کیفری در ترویج و گسترش احساس امنیت افراد جامعه، فرهنگ قانون مداری و کاهش هزینه‌ها و کمیت پرونده‌های اتهامی در دستگاه قضائی بسیار حائز اهمیت است. (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۷۵)

نتیجه‌گیری

تضمینات حقوقی از مهمترین ارکان یک جامعه است. قوانین حقوقی در همه کشورها بر اساس گفتمان حاکم بر آن کشورها تعریف و ترسیم می‌شود. حقوق شهروندی از مهمترین حقوق و قوانینی است که جوامع برای حفظ کرامت انسانی افراد آن جامعه وضع نموده است. در جامعه ایران نیز حقوق شهروندی بر اساس موازین اسلامی تعریف می‌شود و بدین منظور از طرف واضعین قانون نیروی پلیس وظیفه رسیدگی و نظارت بر اجرای احکام را بر مبنای حقوق شهروندی و با حفظ حرمت افراد بر عهده دارد. از این روی نیروی پلیس بر اساس دستور العملی که قوه قضاییه و ضابطین این قوه ترسیم می‌نمایند موظف به رسیدگی امور حقوقی شهروندان بر عهده دارد. در این میان برای اجرای درست احکام و موازین اسلامی با حفظ حرمت شهروندان نیروهای پلیس نیازمند آموزش و آگاهی لازم به منظور اجرای احکام اسلامی متناسب با حقوق شهروندی هستند. مهمترین ساز و کارهای پلیس برای اجرایی نمودن برنامه‌های خود در جامعه برای رتق و فتق بهتر حقوق شهروندی تمسک به اصل قانون‌گرایی و برائت است.



منابع و مآخذ

- احمدزاده، سید مصطفی (۱۳۸۴). حقوق شهروندی «مجله اندیشه سال یازدهم، شماره ششم.
- امینی، ابراهیم، (۱۳۷۲). اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ اول تهران انجمن اولیا و مربیان
- ایرانی، جواد، (۱۳۸۴). «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث» چاپ، اول مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- ایمانی سطوت، علی (۱۳۸۵). حقوق شهروندی در حکومت نبوی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۲
- اردلان، عیسی (۱۳۹۹). تضمینات حقوق شهروندی ایران در چارچوب نظام حقوقی ایران. مجله اخلاق زیستی، ویژه نامه اخلاق زیستی و حقوق شهروندی.
- جمشیدیان مجید (۱۳۸۳). در مسیر آشنایی با شهر و شهروندی تهران سازمان فرهنگی و هنری
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). «شریعت در آینه معرفت»، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۳هـ.ق) وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه
- حقیقت، سید صادق و سیدعلی میرموسوی (۱۳۸۱). مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- درویشی، فرهاد. (۱۳۸۹). ابعاد امنیت در اندیشه و آرای امام خمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۳
- دیوید میلر، (۱۳۸۳). حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳.
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۲). در آمدی بر احساس امنیت عینی، فصلنامه‌ی، دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۸۲
- ریمون آرون (۱۳۷۷). مراحل اساسی سیر اندیشه ها در جامعه شناسی ترجمه باقر پرهام، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی
- روشن، محمد، بیرانوند، رضا (۱۳۹۳). حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ معین. انتشارات زرین. تهران



- سید تاج‌الدینی، علی (۱۳۸۹). حقوق شهروندی متهمان با رویکرد پیشگیری از ضرب و جرح، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- شاملو، باقر (۱۳۸۳). «اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد عاشوری، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت
- شیرانی، پویا و دیگران (۱۴۰۰) تبیین نقش پلیس در تحقق حقوق شهروندی در پرتو آموزه‌ای اسلامی، فصلنامه قانون‌یار، سال پنجم، شماره ۲۰
- قربانی زین‌العابدین (۱۳۸۳). اسلام و حقوق بشر، تهران: نشر سایه، چاپ اول
- کلینی، شیخ کلینی محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دارالکتاب الاسلامیه
- گسن، ریموند (۱۳۷۰). جرم‌شناسی، کاربردی ترجمه مهدی کی، نیا، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۲). نابهنجاری و بزهکاری اطفال از منظر جرم‌شناسی، تهران، راه تربیت
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵). بررسی مفهوم شهر و شهروند از دیدگاه جامعه‌شناسی»، مجله جامعه‌شناسی، شماره ۵